

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهیافت**

سال پانزدهم، شماره ۵۶، پاییز ۱۴۰۰
صفحه ۸۳ تا ۱۰۴

بررسی تطبیقی جایگاه خانواده در حقوق شهروندی، اسلام و کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان

معصومه اخلاق پُرسند/ دانشجوی دکتری تخصصی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی،

واحد تهران شمال Akhlaghpasand1380@gmail.com

مریم ابن تراب/ دکتری تخصصی فقه و مبانی حقوق، استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده الهیات، دانشگاه

آزاد اسلامی، واحد تهران شمال (نویسنده مسئول) Ebnetorab@gmail.com

سید حسین سجادی/ رئیس دانشکده الهیات، مدیر گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه آزاد

اسلامی، واحد تهران شمال s.h.sadjadi@gmail.com

چکیده

تبعیض جنسیت از چالش‌های حقوق خانواده است که با وجود تدوین مقررات داخلی و خارجی مقررات، کمتر به حل و توجیه عدم تبعیض در جنسیت در حقوق اسلام نائل گشته ایم، این مقاله در صدد است با روشی تحلیلی - توصیفی به شیوه کتابخانه‌ای، جایگاه خانواده را در فقه اسلام، حقوق شهروندی و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان بررسی نماید. در این مقاله با تبیین مبانی فقه اسلام و حقوق شهروندی و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و کنوانسیون رفع تبعیض، در پی پاسخ به این سوال هستیم که تحکیم بنیان خانواده در کدام یک از موارد مذکور، مورد توجه واقع شده است و در نهایت به تبیین مبانی اختلاف فقه اسلام و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان بپردازیم. با بررسی‌های صورت گرفته دریافتیم که ماهیت ایجاد کنوانسیون رفع تبعیض برقراری تشابه کامل میان زن و مرد، فارغ از جنسیت آن‌ها و متفاوت از فقه اسلام است. یافته‌های در این مقاله نشان می‌دهد که در فقه اسلام جایگاه خانواده و منزلت والای آن با توجه به اصول عدالت، حکمت، فطرت و مصلحت، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. با وجود اینکه این دو مهم در بسیاری موارد با یکدیگر دارای تشابه هستند اما لازمه‌ی برطرف نمودن اختلافات کنوانسیون مربوطه و فقه اسلام در حقوق خانواده تغییر مبانی و نگرش‌های این دو است که بنظر می‌رسد دست یافتنی نباشد.

کلید واژه: خانواده، حقوق شهروندی، اسلام، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، تبعیض، تساوی، عدالت، فطرت، حکمت، مصلحت

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۰۹/۲۹

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۷/۲۷

مقدمه

خانواده از آغاز پیدایی خود، همچون حریم امنی زندگی انسان را دربر می گیرد و موج تازه ای در درون شبکه خویشاوندی ایجاد می کند، با ازدواج حقوق و تکالیفی برای زوجه ایجاد می شود که در مواردی بین این حقوق در فقه اسلامی و ماده ۱۶ کنوانسیون، تمایزاتی وجود دارد. کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان که به سبب برقراری تساوی میان مرد و زن تدوین گشته است، به حقوق زنان از جنبه ی خود می نگرد. نقش خانواده در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان نه تنها کم رنگ بلکه سبب از بین بردن بنیان های خانواده می شود. زیرا حتی کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، بیش ترین مسؤولیت را در زمینه فرهنگی، فکری و هنجارسازی در باب حمایت از زنان به عهده دولت ها گذارده است و از مراکز و نهادهایی که رسالت اصلی و اولیه آنها فرهنگ سازی می باشد، یادی نشده است در حالی که فرهنگ سازی و هنجارزایی، مسؤولیت نهادهای غیر دولتی است و این مساله یکی از کاستیهای شکلی موجود در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان می باشد.

قابل توجه است، حقوق خانواده به تنظیم روابط زوجین از یک سو و روابط فرزندان و الدین از سوی دیگر و نیز تبیین حقوق و تکالیف هر یک از افراد مذکور می پردازد. در دیدگاه غربی و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، بحث جنسیت در حقوق زن و مرد در قوانین دنیا به خصوص اسلام با تبعیض و بی عدالتی همراه است. لذا کنوانسیون مطروحه، با وجود اینکه ادعای کارآمدی و پیشرو بودن دارد، اما در قوانین و حقوق مربوط به زنان، واقعیات روحی، جسمی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را نادیده انگاشته است و به جای تناسب حقوق، تساوی حقوق را مد نظر قرار داده است که نتیجه آن، یکدست سازی واقعیتهای متفاوت است. از همین رو نظام حقوقی که بر مبنای چنین کنوانسیون و اسنادی در مورد زنان سامان می یابد، چون از واقعیات فاصله دارد، افزون بر ایجاد ناهنجاریهای اجتماعی، موفقیت اجرا ندارد. معهذ این پژوهش با بهره گیری از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی در قالب بیان اختلافات میان حقوق شهروندی و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان با تاکید بر فقه اسلام و اثبات عدم تبعیض در حقوق اسلام میان زنان و مردان با گردآوری کتابخانه ای همچنین بهره گیری متون معتبر به دنبال اثبات عدم تکامل کنوانسیون مطروحه می باشد.

۱-روش تحقیق

روش این پژوهش تحلیلی توصیفی می باشد که از طریق ابزار کتابخانه ها و سایت ها تهیه شده است و با هدف درک بهتر حقایق تدوین شده است، بررسی تطبیقی تبعیض و عدم تبعیض

و اثبات عدم تبعیض جنسیت در حقوق اسلام در این پژوهش به صورت مستدل و مستند با بیان ادله اختلاف فقه اسلام و کنوانسیون رفع تبعیض صورت گرفته، لذا مباحث و مطالب ارزشمند و مرتبط با هدف این پژوهش بر اساس اهداف کلی و جزئی دسته بندی شده و به کار گرفته شده است.

۲- تبعیض در حقوق زنان در دیدگاه تئوریک

آشر در مقام منع تبعیض جنسیتی عقیده دارد: مطالعاتی که عوامل علت و معلولی را بر پایه تفاوت های جنسی قرار می دهند، بسیار ساده انگارانه است. زنان و مردان به لحاظ روانی متفاوت هستند، چون به دلیل شرطی سازی و تجربه اجتماعی متفاوت، توقعات متفاوتی نیز دارند. (بستان، ۱۳۷۵، ۵۱) بنابراین بر طبق این رویکرد، در نظر گرفتن هر گونه تفاوت جنسیتی، موجب ستم و تبعیض علیه زنان می شود.

ژنویولود در کتاب «عقل مذکر» (مردانگی و زنانگی در فلسفه غرب) در بیان تبعیض می نویسد: در فرهنگ غرب، نقش عقل نه تنها در داوری باورها بلکه در سنجش شخصیت فرد نیز مهم به شمار می آید. عقل جزء اصلی شناخت ما از اینکه اصولاً انسان بودن چیست، انسان خوب بودن چه شرایطی دارد و نسبت درست بین انسان در مقام داننده و سایر شئون زندگی او چیست، نیز به شمار می رود. (لویس، ۱۳۸۱، ۲۲). با این نظریه از ژنویولود می توان گفت، ایشان تبعیض در میان انسان ها را نه از بعد جنسیت بلکه از بعد عقل می داند.

جان رالز در خصوص تبعیض و برقراری عدالت می نویسد: «من مانند کانت معتقدم که انسان ها یک سری حقوق طبیعی دارند که باید آن ها را تأمین کنند و نمی توان خیرهای اجتماعی (منفعت افراد) را بر آن حقوق طبیعی مقدم داشت و اگر انسان ها در شرایط آزاد و برابر قرار بگیرند آنها بر سر اصولی توافق خواهند کرد که حقوق طبیعی آنها را تأمین خواهد کرد.» (رالز، ۱۳۷۶، ۸۴) بنابراین در نظر رالز عدالت همان حذف امتیازات بی دلیل و ایجاد تعادلی واقعی در میان خواسته های متعارض انسان ها است که در ساختار یک نهاد اجتماعی پیش بینی شده است. (بشیری، ۱۳۷۶، ۱۱۷).

در دیدگاه شهید مطهری، در اسلام، عدالت و منع تبعیض از یک واقعیت نفس الامری برخوردار است و براین اساس تساوی حقوقی چون مخالف با مقتضیات وجودی زن است، خشونت علیه زنان محسوب می شود. (کاظم نژاد، گلی، ۱۳۹۵، ۳)

منع تبعیض و عدالت از دیدگاه علامه طباطبایی از حیث مفهومی بر مدار مساوات و اقامه آن میان امور است که در جوهر آن دو معنای دیگر قابل استخراج است: الف) قرار گرفتن هر چی

زی در جای خود؛ ب) دادن حق هر صاحب حقی یا دادن هر کسی آن چه سزاوار و شایسته آن است. عدالت بر دو قسم فردی و اجتماعی تقسیم میشود و مبنای فطری و عقلانی دارد و در ساحت های اعتقاد، اخلاق و اعمال تجلی می یابد. (رودگر، ۱۳۸۸، ۵۶)

۳-پیشینه پژوهش

مریم ابن تراب در سال ۱۳۹۳ در مقاله ای تحت عنوان جایگاه کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان در حقوق اسلامی؛ با رویکردی بر دیدگاه امام خمینی (س) آورده است که بیشتر موارد مذکور در این کنوانسیون از نظر حقوق اسلامی پذیرفته شده است، و در راستای دیدگاه های فقهی امام خمینی است، و چنانکه ذکر خواهد شد، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است، اما موضوع قابل بحث در این مقاله آن است که در موارد بسیار محدودی در زمینه احوال شخصی، نمی توان به طور کلی، و با نادیده گرفتن حقوق دیگر افراد در خانواده آن را پذیرفت.

زهر اوسطی در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه پیام نور استان تهران در پایان نامه ی مطالعه تطبیقی حقوق معنوی زوجه در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان با فقه امامیه و حقوق ایران نوشته است آورده است، از آنجا که زن هم به مثابه مرد و شاید بیشتر در تداوم زندگی و استحکام خانواده و اصلاح جامعه نقش دارد، حقوق غیر مالی او تبیین کننده محدوده اختیارات او و تکالیف سایرین در برابر او می باشد. از جمله حقوق غیر مالی می توان به حق رعایت شأن، حق تکریم و احترام، حق حسن معاشرت و نمونه های دیگر از این دست اشاره نمود. در این تحقیق، پس از بیان مبانی حقوق غیر مالی بر اساس فقه امامیه، حقوق ایران در این ارتباط مورد مذاقه قرار گرفته است.

سید احمد رضا حسینی در مقاله چالش های کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۸۰ نوشته است، آورده است که کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان از مهم ترین اسناد بین المللی است که در راستای جهانی سازی حقوق زنان تدوین شده است. هر کشوری برای الحاق به آن ابتدا باید آموزه ها و مفاد آن را با باورها و قوانین خود بسنجد تا نقاط مشترک و متعارض را به دست آورد و سپس آگاهانه در باره عضویت و یا عدم عضویت در آن تصمیم بگیرد. مقاله حاضر در همین راستا به دنبال تبیین چالش های این کنوانسیون با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. محقق در این مقاله به بیان دیدگاه های کنوانسیون رفع تبعیض و قانون اساسی تنها در برخی مباحث کوتاه پرداخته و مبانی اختلاف حقوق اسلام و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان را از جهت فقهی و حقوقی بررسی ننموده است.

۴-سوالات تحقیق

سوال اصلی :

۱-خانواده در حقوق شهروندی ، اسلام و کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان چه جایگاهی دارد؟

سوال فرعی

۲-دلایل اختلاف جایگاه خانواده در فقه اسلام و کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان چیست؟

۳-آیا می توان اختلافات مابین کنوانسیون مطروحه با فقه اسلام را برطرف نمود؟

۵-فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی :

۱-در آیات ، احکام و احادیث اسلامی خانواده دارای منزلت والایی است اما به نظر می رسد با توجه به اینکه اصالت فرد در کنوانسیون مربوطه مدنظر است ، آنچنان که باید خانواده جایگاهی ندارد.

فرضیات فرعی

۲- نهاد خانواده در دیدگاه اسلام و حقوق شهروندی که مستنبط از فقه اسلام است برپایه ی اصولی نظیر فطرت ، حکمت و مصلحت می باشد، لیکن کنوانسیون مطروحه دنباله روی افکار فمینیستی ، دین زدایی و فردگرایی می باشد.

۳-اگرچه اشتراکاتی میان این دو وجود دارد، اما بنظر می رسد از آنجایی که مبانی این دو بایکدیگر متفاوت است ، بر طرف نمودن اختلافات چندان مقدور نباشد . البته به دلیل مصلحت در فقه بن بست وجود ندارد و قوانین قابل تغییر هستند.

۶-دستاوردهای تحقیق

در صورتیکه به واقعیت ها و ظرفیت های موجود و نیز ویژگی های زن و مرد بنگریم ، به روشنی در می یابیم که توانایی و کارآمدی نگرش و بیش عدالت محور، بیش تر از نگرش تساوی محور است ، زیرا در همان جوامعی که با نگاه مساوی به حقوق زنان پرداخته شده است ، تناسب و تفاوت های حقوقی و تکلیفی ، به طور کامل ، دیده می شود و تنها اسم آن را چیزی دیگر گذاشته اند . بنابراین ، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان ، همچنان که از نگاه مبنایی و نظری با اشکال روبه روست ، از جهت عملیاتی و اجرایی نیز با بازدارنده های غیرقابل رفع روبه روست و در این میان زنان با نقش موثری که در چارچوب خانواده در زمینه امور تربیتی ایفا می کنند ، جایگاهی فراتر در جوامع دارند . بنابراین باید به جایگاه زنان به دید زیرساختی موثر برای توسعه جوامع

توجه کنیم. از نوآوری هاو دستاوردهای این مهم می توان از بیان مبانی اختلافات به تفکیک نام برد، هدف از بررسی این مبانی این است که آیا می توان اختلافات مربوطه میان کنوانسیون مطروحه و فقه اسلام را از میان برداشت؟ و در همین راستا به چالش های جایگاه زن در فقه و چگونگی برطرف کردن اختلافات میان زن و مرد پرداخته شده است.

۷- جایگاه خانواده در فقه اسلام با مطالعه علل تبعیض جنسیتی

شناخت ماهیت و کارکردهای خانواده، ضرورت های وجودی نهاد خانواده و بازشناسی ساختارهای آسیب زای نهاد خانواده است که از گام های نخستین در راه تحکیم بنیان خانواده در اسلام می باشد. (جهان، ۱۳۹۴، ۳)

اسلام در مقام بیان تساوی ارزشی میان زن و مرد در آیه ی مبارکه آورده است: «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» (حجرات/۳) «همانا گرامی ترین شما در نزد خدا با تقواترین شماست.» بر اساس این آیه کریمه، انسان ها بر اساس تقوایشان نزد خداوند عزیز می باشند و زن و مرد بودن معیار ارزشیابی در اسلام نیست.

درخصوص خانواده و جایگاه زن و مرد در آن، در آیات شریفه ی دیگر آمده است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (آل عمران/ ۱۹۰)

"هر کس از مرد و زن کار نیکی به شرط ایمان به خدا به جای آرد ما او را به زندگانی خوش و با سعادت زنده ابد می گردانیم و اجرای بسیار بهتر از عمل نیکی که می کردند به آنان عطا می کنیم."

«وَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مَن ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا.» (نساء/۳۷)

و هر که از زن و مرد کاری شایسته کند با ایمان به خدا، چنین کسان به بهشت در آیند و به قدر نقیری (پرده هسته خرمایی) به آنان ستم نکنند.

پیام دو آیه ی مذکور این است که: ۱- ملاک پاداش، سن، نژاد، جنسیت، موقعیت اجتماعی، سیاسی و ... نیست.

۲- زن و مرد در کسب کمالات معنوی یکسانند.

معهدنا در خصوص جایگاه خانواده و بحث تبعیض در آن، همین که نکاح به درستی واقع شود، حقوق و تکالیفی برای زوجین ایجاد می شود که حقوقدانان از آن به آثار نکاح تعبیر می کنند، آثار حقوقی نکاح شامل دو بخش است، بخشی از این آثار دارای جنبه مالی است و بخش

دیگر غیر مالی است که مهم تر از بخش اول است؛ زیرا نکاح در درجه اول یک قرارداد غیر مالی است و روابط غیر مالی زوجین مهم تر از روابط مالی آنها است. (سلیمی، ۱۳۹۷، ۴) و بر اساس نظر دکتر کاتوزیان، قواعد حاکم بر ایجاد یا انحلال رابطه میان زن و شوهر و آثار آن، که عمدتاً بر پایه قرارداد نکاح است، با احکام ناظر بر روابط میان والدین و فرزندان، که مشمول قواعد امری و قوانین حمایتی قانون گذار یا شارع است، تفاوت دارد. (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج ۲، ۲)

بنابر آنچه مستنبط از آیات قرآن شد، زن و مرد در فقه اسلام، حقوق و تکالیف مشابه و مشترکی نظیر حق حیات، حق اشتغال، حق مشارکت سیاسی و ... دارند. (موسوی غروی، بی تا، ۲۵۲) که در فقه به هریک از این موضوعات به صراحت پرداخته و احکام خاصی را تدوین نموده است. برخی احکام که در فقه و حقوق ایران میان زن و مرد مشترک نیست که این مساله با چالش های بسیاری در داخل و خارج از کشور روبه روست. در ذیل به مبانی حقوق زن در اسلام می پردازیم و بررسی می نمایم که آیا می توان با وجود پذیرش این مبانی اختلافات میان حقوق زن و مرد را از میان برداشت؟

الف: فطرت مبنای حقوق زن در اسلام

نظام حقوقی اسلام، نظامی مبتنی بر فطرت (طبیعت) انسان است که حاوی حقوق اساسی و بنیادین بشر برای تکامل و تعالی مادی و معنوی او به منظور سعادت دنیوی و اخروی است. (شفیع زاده خولنجانی، ۱۳۹۵، ۲۷) در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، غفلت از فطرت وجودی موجب سردرگمی بیش از پیش بشر در باب پاسخگویی به مسائل حوزه زنان به ویژه در عصر جدید گشته است. (پورمنوچهری، فارسیان، ۱۳۹۵، ۲)

نقطه ای که معمولاً طرفداران دیدگاه فمینیستی روی آن انگشت تاکید می نهند این است که چرا باید زن و مرد نقش یکسانی را در جامعه ایفا نکنند و در حق نیمی از افراد جامعه یعنی زنان در سپردن مناصب و مقامات اجتماعی تبعیض شود؟ در پاسخ به این پرسش که در بادی امر معقول و منطقی به نظر می رسد باید به این واقعیت اشاره کرد که تفاوت های میان زن و مرد «تناسب» است نه نقص و کمال. (مطهری، ۱۳۷۸، ۱۶۳)

در تحلیل این امر لازم به ذکر است، تنها اگر شریعت با فطرت و طبیعت انسان هماهنگ و سازگار باشد، می توان گفت احکام و قوانین وضع شده عادلانه است؛ زیرا در این صورت، بر اساس استعداد های انسان طراحی شده و ظرفیتهای محدودیتهای بشر در آنها لحاظ شده است. لذا باید میان احکام وضع شده هماهنگی وجود داشته باشد. این هماهنگی میان احکام الهی، جسم و روح انسان در احکام خانواده بسیار مهم است، زیرا نتیجه آن، تشریع احکام

متفاوت برای زن و شوهر است؛ از آنجا که طبیعت زن و مرد و نقش متفاوت آنان در زندگی مشترک پایه این تشریع است، پس احکام وضع شده برخلاف عدالت نیست. مسلماً فطرت چیزی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت و براین اساس حکم به تساوی حقوق زن و مرد داد زیرا همانگونه که بیان شد در صورت عدم توجه به فطرت وجودی انسان ها بی عدالتی پدید می آید.

ب: عدالت مبنای حقوق زن در اسلام

مسئله مطلق و نسبی بودن معنای عدالت، از جمله مباحث مهمی است که درباره‌ی موضوع عدالت می توان به آن پرداخت، از نظر اسلام عدالت امری مطلق است. زیرا عدالت بر پایه‌ی حقوق واقعی و فطری انسان ها استوار است. بنابراین در تمامی زمان ها و مکان ها یکی بیشتر نیست، چون استحقاق های طبیعی انسان همیشه ثابت و یکنواخت و مطلق است. (مطهری، ۱۳۷۶، ۳۱۲) عدالت زمانی تحقق پیدا می کند که حقوق ویژه زنان رعایت شود، یعنی در اینجا عدالت به نظریه «تناسب» نزدیکی پیدا می کند تا به نظریه تساوی. (حسنی، ۱۳۸۳، ۴)

در نظام حقوقی زن این مطلب مطرح است که آیا عدالت اقتضای قواعد یکسان و مشابه برای مرد و زن را دارد یا اینکه عدالت اقتضای تفاوت دارد و باید برای زن و مرد قواعد متناسب وضع نمود. با توجه به اینکه اشتراک تکلیف بین همه ی انسانها امری ضروری و مسلم است، نیازی به بیان دلیل برای اثبات آن نمی باشد. (ربانی، ۱۳۸۴، ۵)

لذا عدالت موردنظر دین، یک تقسیم کار، مطابق بازن و مرد ایجاد میکند که برای تمام اعضا جامعه مفید است. حقوق و مسؤولیتهایی که زن و یک مرد برابند، اما به طور لزوم مانند هم نیستند، از آنجاییکه مسلمانان تمایز میان وظایف دو جنس را در اغلب موارد، طبیعی و مفید تلقی می کنند، مسؤولیت های مرد و زن تفاوت دارد، به این منظور که تعادلی در این اختلاف های جسمانی مردان و زنان ایجاد و زمینه را برای پذیرش مسؤولیت بزرگتری که در مسائل جنسی و تربیتی برعهده زنان است و برای رفاه و خیر جامعه لازم است، تأمین کند (تفضلی، استیری، سلطانی، ۱۳۹۸، ۱۶۳).

فقیهان اصل تساوی حقوق زن و مرد را در مواردی به کار گرفته اند که خطاب متضمن حق یا تکلیف، متوجه مردان بوده است، ولی با استناد به اصل اشتراک، مفاد خطاب به زنان نیز تعمیم داده شده است. مگر اینکه اثبات شود مفاد خطاب به مردان اختصاص دارد.

بنابراین زن و مرد از جهاتی که شبیه هستند از حقوقی مساوی برخوردارند اما از جهاتی که با هم تفاوت دارند، به طبع از حقوق متفاوت برخوردار می شوند و این به معنی کم ارزش بودن

یک جنس و برتری جنس دیگر نیست. بنابراین، تفاوت در جسم و روح زن و مرد به معنی برتری یکی و کم ارزش بودن دیگری نیست. در واقع همین تفاوتها است که باعث دوام و قوام اجتماع می شود.

ج: حکمت یکی از مبانی حقوق زن در اسلام

حکمت برای حکم، جنبه ثبوتی دارد، یعنی آن چیزی است که باعث شده شارع، حکمی را در موردی جعل کند، و نمی توان آن را دلیل بر حکم گرفت. اصل حکمت اقتضا دارد که تفاوت های میان زنان و مردان، حکیمانه است و با توجه به ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی و مادی و معنوی وضع گردیده است. چه بسا اگر با دقت به این تفاوت ها نگریسته نشود، این تفاوت ها نشان دهنده ی تبعیض نابجا قلمداد گردد و از این رو ظلم تلقی شود. آنچه اینجا اهمیت دارد و در زندگی اجتماعی مورد توجه است، وجود چنین برداشت و احساسی در جامعه است. با یک نگاه اجمالی می توان دریافت بسیاری از تکالیف زنان در بردارنده ی تسهیل برای زنان است و با مروری بر آنها می توان دریافت برخی از این قواعد به ظاهر متفاوت و محدود کننده، از نوع مصونیت و از سنخ حق قلمداد می گردد. البته چه بسا برخی از قواعد حقوقی، موضوع مصلحت باشد، اما با عواطف و احساسات درونی انسان هماهنگ نباشد، از این رو زنان با توجه به عواطف خود آن قواعد را به زیان خود می پندارند اما با تحلیل عقلانی به این نتیجه می رسند که این قواعد دارای مصلحت است. (حکمت نیا، ۱۳۹۰، ۳۵۶)

د: مصلحت، یکی از مبانی حقوق زن در اسلام

مصلحت اندیشی در زمینه تدوین احکام و قوانین مربوط به خانواده اهمیت بیشتری می یابد، چرا که مصالح خانواده در بسیاری موارد با مصالح اجتماعی هم پوشانی داشته و از هم پاشیدن این بنیان می تواند تبعات بسیار نامطلوبی را نه تنها برای اعضای خانواده؛ بلکه برای اجتماع به همراه داشته باشد. (شریعتمداری، ۱۳۷۷، ۶۲۲) بنابراین، مصلحت و عمل، ارتباط نزدیک و مستقیم با یکدیگر می یابند. اسلام به عنوان دینی جامع، علاوه بر بیان احکام ثابت، به بیان احکام متغیر نیز پرداخته و مصالح و مفاسد مادی و معنوی متغیر را مورد توجه قرار داده است و مصالح عمومی را در راستای اهداف و مقاصد دینی دنبال می کند. از این رو، مصلحت در فقه شیعه از جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ به گونه ای که هم بر رفتارهای فردی آدمیان تأثیر می گذارد و هم نظام سیاسی و اجتماعی و خانوادگی را شکل می دهد و بنظر می رسد بر مبنای مصلحت اندیشی می توان نسبت به برخی از تمایزات حقوق زن و مرد در اسلام تغییر موضع داد، به طور مثال بحث تفاوت دیات و اکنش های بسیاری را به همراه داشته است و مدافعین این تفاوت ها بر این عقیده

هستند که مرد سرپرست خانواده است و در صورت فوت دیه به خانواده اش می رسد ، اما از آنجایی که در جوامع امروزی اغلب زنان نیز همانند مردان شاغل و گآها سرپرست خانوار هستن می توان امتیازاتی را برایشان در نظر گرفت.

لازم به ذکر است از یک سو عدالت، غایت حکومت است و مصلحت رویکردی درون حکومتی، و از سوی دیگر، عدالت، از مستقلات عقلی است و مصلحت، تابع دلیلی شرعی، حکم به تقدّم عدالت بر مصلحت کرده باشد؛ حکم به تقدّم عدالت بر مصلحت نموده باشد.

۸- جایگاه خانواده در حقوق شهروندی

شهروند کسی است که دارای علقه و وفاداری به آن جامعه سیاسی است و مستحق برخورداری از تمام حقوق می باشد. (Bryan, 1999, 87) و حقوق شهروندی از جمله مفاهیمی است که به برابری و عدالت همه ی افراد انسانی یک جامعه توجه دارد. (طاهری، ۱۳۹۵، ۱۱) جریان کنار نهادن دین در غرب و حقوق شهروندی ، همواره این گونه قلمداد می شد که اندیشه ی تکامل یافته بشر فارغ از دین است .بنابراین ، در دیدگاه غرب استدلال بر این است که مذهب و دیدگاه های آن قادر به تعیین قوانین و نهادهای اجتماعی نظیر حقوق شهروندی نیستند. (Lydman, 1972, 177)

این طرز تلقی که حقوق شهروندی ارتباطی با ادیان ندارد ، توهمی است که اگرچه بخشی از آن با واقعیت همراه باشد ، ناشی از سرگذشت دین در مسیر تاریخ تاریک قرون وسطی در غرب است. (Rusell, 1945: 681)

منشور حقوق شهروندی ایران، براساس فقه اسلام و باتوجه به نیازهای روز انسان ها و برگرفته از آموزه های دینی است و از این جهت، تمایز خاصی نسبت به حقوق شهروندی رایج در غرب دارد که امروزه به عنوان حقوق شهروندی جهانی مطرح می شود. (ولوی، آهنگران، آقایی بجستانی ، ۱۳۹۹، ۲۵) ، لذا با مدنظر قراردادن توانایی های فرد و قوای جسمانی و روحانی آن ، فارغ از تبعیض جنسیتی مقرراتی را تدوین نموده است و یکی از مهم ترین مسائل در برابری حقوق زن و مرد، توجه به تفاوت های طبیعی زن و مرد است. از منظر حقوق بشری توجه به حقوق طبیعی زنان اولین گام برای احقاق حقوق آنهاست. در این میان توجه به حق بر حیات، بهداشت و سلامت در کنار حق بر بیماری زنان بسیار مهم است. (جاوید و همکاران، ۱۳۹۳، ۵۷)

لازم به ذکر است ، حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران در منشور حقوق شهروندی ایران، «خانواده» به طور مشخص مورد تاکید قرار نگرفته و اعضاء خانواده به طور جدا (کهن سالان، کودکان و..) مورد توجهند. این درحالیست که خانواده به عنوان نهاد اجتماعی نیاز به

توجه دارد. مشکلاتی که در نهاد خانواده دیده می شود به خاطر این است که برای خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی برنامه ریزی نشده است.

البته مواد ۵۱ الی ۵۵، قانون حقوق شهروندی به مقررات مربوط به خانواده پرداخته است، در این مواد آمده است که حق شهروندان است که با رضایت کامل، آزادانه و بدون هیچ گونه اجباری نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده، با رعایت قانون مربوط اقدام نمایند.

این مواد بر حق توسعه تاکید دارند، توسعه نیافتگی است که ظرفیت کشور برای تحقق حقوق مردم، و از جمله حق ازدواج و تشکیل خانواده را به خطر می اندازد. قوانین ایران دارای سیاست های کلی خانواده است که در آن بر بسیاری از محوری ترین ملزومات تحکیم خانواده نظیر تسهیل ازدواج، اصلاح قوانین و رویه های حقوقی، ارائه آموزش های لازم، ساماندهی نظام مشاوره، حمایت اجتماعی از زنان در ابعاد مختلف، و ارتقای سلامت خانواده در ابعاد مختلف تأکید شده است. پیشبرد ماده ۵۱ مستلزم اجرایی شدن این سیاست های کلی است.

۹- جایگاه خانواده در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و تطبیق آن با فقه اسلام

کنوانسیون با محور قرار دادن تساوی زنان و مردان در تمامی شئون، اصلاح وضع ناعادلانه و اسف بار زنان در جوامع مختلف و خاتمه دادن به احجافات که علیه آنان در طول تاریخ روا داشته شده را دنبال می کند. (عباسی کشکولی، ۱۳۹۸، ۲)

این کنوانسیون، از جمله اسناد بین المللی است که به طور خاص، متکفل امحای تبعیض بر اساس جنسیت و نیز تغییر شکل سنتی خانواده در کشورهایی است که به خانواده به عنوان یک نهاد مستقل احترام می گذارند. در مقدمه کنوانسیون آمده است: "با اطلاع از اینکه تغییر در نقش سنتی مردان و زنان در جامعه و خانواده، برای دست یابی به مساوات کامل میان زنان و مردان ضروری است..." (مهرپور، ۱۳۷۹، ۲۳)

بر طبق ماده شانزدهم کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، دولتهای عضو، اقدامات لازم و مقتضی را در جهت حذف تبعیض علیه زنان در تمام مواردی که مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی است، به عمل خواهند آورد و به ویژه امور زیر را بر مبنای برابری حقوق مردان و زنان تضمین خواهند نمود:

الف- داشتن حق یکسان برای (انعقاد) ازدواج

ب- داشتن حق آزادانه و یکسان برای انتخاب همسر و (انعقاد) ازدواج بر پایه رضایت آزاد و کامل دو طرف

ج- داشتن حقوق و مسئولیت های یکسان در دوران ازدواج و هنگام انحلال آن (جدایی)

د- داشتن حقوق و مسئولیت‌های یکسان به عنوان والدین در موضوعات مربوط به فرزندان، صرف‌نظر از وضعیت زناشویی آنها. در کلیه موارد منافع کودکان از اولویت برخوردار است.

ه- داشتن حقوق یکسان جهت تصمیم‌گیری آزادانه و مسئولانه در زمینه تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری و دستیابی به اطلاعات، آموزش و وسائلی که آنها را برای اجرای این حقوق قادر می‌سازد.

و- داشتن حقوق و مسئولیت‌های یکسان در رابطه با حضانت (سرپرستی)، قیمومت کودکان و فرزندخواندگی یا رسم‌های مشابه با این مفاهیم که در قوانین داخلی وجود دارد. در کلیه موارد منافع کودکان از اولویت برخوردار است.

ز- داشتن حقوق فردی یکسان به عنوان شوهر و زن از جمله حق انتخاب نام خانوادگی، حرفه و شغل.

ح- داشتن حقوق یکسان برای هر یک از زوج‌ها در رابطه با مالکیت، حق اکتساب، مدیریت، سرپرستی، بهره‌برداری و اختیار اموال خواه رایگان باشد و یا هزینه‌ای در برداشته باشد.

چالش‌های بسیار در خصوص زنان در جوامع سبب تدوین این چنین معاهدات گشته است که سعی در تغییر جایگاه زنان در جامعه و به خصوص خانواده است اما در فقه اسلام زنان و مردان، بر طبق فطرت، خلقت، طبیعت و توانایی‌هایشان تکالیف و حقوقی دارند. (سادات سالکی، ۱۳۹۵، ۱۱) در ماده ۱۶ کنوانسیون مربوطه جای مذهب خالی مانده است و عمده‌ترین اختلاف فقه اسلام با کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان در این مقوله است. استاد محمدتقی جعفری در این خصوص می‌نویسد: «از نظر حقوق اسلامی هر یک از این دو صنف (زن و مرد) برای خود وظایفی دارند که بتوانند با انجام آن در تشکیل خانواده و جلوگیری از متلاشی شدن آن که اساس اجتماع است سهم مشترکی داشته باشند. (اما در فرهنگ غرب) به همین جهت است که امروزه زن را مرد نموده ولی نتوانسته‌اند مرد را زن جلوه دهند، هر روز آمار متلاشی سیستم خانواده در جهان (غرب) رو به افزایش می‌باشد و یکی از نتایج متلاشی شدن خانواده، بیهوده جلوه کردن زندگانی و بیگانه شدن انسان‌ها از یکدیگر است.» (جعفری، ۱۳۷۳، ج ۱، ۱۶۵).

اصولاً رواج و رونق بحث آزادی مطلق زنان در کشورهایی که پیرو کنوانسیون رفع تبعیض هستند ناشی از غلبهٔ تئوری‌های «آزادی انتخاب» بوده که با نگاهی شی‌واره به جهان بر آزادی مطلق «بدن» تاکید دارند، و در مقابل گفتمان‌های الهی در نظام حقوقی کشوری مانند ایران برآمده از دوگانه «حق/تکلیف» است که تداوم یک نگاهی الهی به هستی انسان است لذا

نمی‌توان قائل بر آزادی مطلق و لجام گسیخته باشد. (مروتی، منصوری، شمس، ۱۳۹۹، ۱) و به هر حال، به نظر می‌رسد مبنای اصلی کنوانسیون در دفاع از حقوق زنان بر پایه نادیده گرفتن تفاوت‌های طبیعی زن و مرد نهاده شده است.

به طور مثال از موارد اختلاف کنوانسیون مطروحه با فقه و حقوق شهروندی ایران، ریاست مرد در خانواده است، براساس فقه اسلام، با عنایت به ضرورت وجود مدیر و سرپرست در هر جامعه، ریاست شوهر، یک ریاست اداری است نه استبدادی، و زن ملزم به اطاعت از مرد در امور شخصی نیست. (سلیمی، ۱۳۹۷، ۲)

لذا مطابق ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی ریاست خانواده با مرد است که این ماده با کلیت ماده ۱۶ کنوانسیون در تعارض است. در بند ۲ ماده ۱۶ هرگونه اثر قانونی از نامزدی و ازدواج کودک سلب شده است، در حالی که براساس تبصره ۱ ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی پدر و جد پدری حق دارند حتی دختر نوزاد خود را به عقد ازدواج مردی در آورند به شرط آن که مصلحت وی نادیده گرفته نشود. چنین ازدواجی حتی با مخالفت دختر پس از بلوغ صحیح است. این قانون با بند ۱ ماده ۱۶ نیز مغایرت دارد.

از عمومیت سرپرستی مرد بر خانواده ممکن است استفاده شود که این موضوع اختصاص به امور خانوادگی ندارد و در سایر امور اجتماعی که این جهات برتری در آن‌ها مداخلت دارد نیز مردان بر زنان از قوامیت برخوردارند.

لذا هرگونه دگرگونی که در زیست بشر رخ داده، نخست در خانواده بروز کرده است؛ زیرا آغاز زندگی از درون خانواده شکل می‌گیرد و سپس توسعه یافته، و تنوع‌پذیر می‌شود. نگرش جنسیتی نیز از این قاعده جدا نیست. (عیسی خانی، ۱۳۸۳، ۳۲)

یکی از پرچالش‌ترین مسائل که در فقه اسلام مورد توجه عموم است، بحث ارث می‌باشد و نگرش کلی و همه‌جانبه در زمینه حقوق زنان و مردان در احکام اسلامی تفاوت در سهم ارث زنان و مردان در مورد ارث را به طور کامل قابل توجیه می‌سازد، زیرا زنان از دیدگاه حقوق اسلامی از حق مالکیت اختصاصی حتی پس از ازدواج برخوردارند، در حالی که حقوق مالی ویژه‌ای برای ایشان مقرر شده است که بیان شد.

بنابراین نگرش فقه اسلام بر تفاوت ارث میان زنان و مردان می‌باشد و این دیدگاه در تعارض با مواد ۱، ۲ و ۱۵ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان می‌باشد. این مواد بر تساوی و مساوات در همه‌ی شئون رای دارند.

همچنین با توجه به نحوه تعبیر ماده واحده مصوب سال ۱۳۷۱ و مذاکرات جانبی هنگام بررسی و تصویب، به نظر می‌رسد اگر مردی قصد واقع ساختن طلاق به صورت غیر رسمی را داشته باشد و بدون مراجعه به دادگاه با ملاحظه شروط ماهوی صحت طلاق طبق قانون مدنی زن خود را طلاق دهد، طلاقش صحیح و معتبر است.

ولی زن اگر متقاضی طلاق باشد، علاوه بر آن که باید به دادگاه مراجعه نماید، درخواست طلاق خود را نیز باید در قالب یکی از موارد خاص پیش بینی شده در قانون مدنی، یعنی ترک انفاق یا عسر و حرج مطرح نماید و آن را ثابت کند یا در ضمن عقد، شروطی گذاشته و یا وکالت گرفته باشد که در صورت تخلف از آن شروط خود را مطلقه نماید و در دادگاه، گرفتن وکالت و تخلف از شروط را اثبات نماید تا موفق به اخذ گواهی عدم امکان سازش شود.

براساس کنوانسیون رفع تبعیض، دولت‌های عضو، در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، باید تساوی زنان را با مردان در برابر قانون می‌پذیرند و در امور مدنی، همان اهلیت قانونی را که مردان دارند به زنان داده و امکانات مساوی برای اجرای این اهلیت را در اختیار آنها قرار می‌دهند. مخصوصاً دولتهای عضو به زنان حقوق مساوی با مردان را در انعقاد قرارداد و اداره اموال می‌دهند و در تمام مراحل دادرسی در دادگاهها و محاکم با آنها رفتار یکسان خواهند داشت.

در بند چهارم از ماده ۱۶ کنوانسیون رفع تبعیض آمده است که، دولتهای عضو می‌پذیرند که در رابطه با قانون رفت و آمد اشخاص و انتخاب مسکن و محل اقامت، زن و مرد از حق مساوی برخوردار باشند.

لذا زن به میزان مرد حق انتخاب مسکن دارد. همچنین در بند ح ماده ۱۴ کنوانسیون، حق مسکن برای زنان روستایی نیز برابر با مردان شمرده شده است. اما در حقوق اسلامی زن باید در منزلی که شوهر تعیین میکند، سکنی نماید مگر این که اختیار تعیین مسکن به زن داده شده باشد. البته اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن علیحده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه‌ی ضرر مزبور، محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشت به منزل مزبور معذور است، نفقه بر عهده شوهر خواهد بود.»

قابل توجه است مادام که محاکمه بین زوجین خاتمه نیافته، محل سکناى زن به تراضی طرفین معین می‌شود و در صورت عدم تراضی، محکمه با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین، منزل زن را معین خواهد نمود. در صورتی که اقربایی نباشند، خود محکمه، محل مورد اطمینانی را معین خواهد کرد.

لذا با توجه به آنچه بیان شد، می توان اذعان داشت که دیدگاه کنواسیون با دیدگاه فقه اسلام در خصوص مسکن و تساوی در انتخاب آن، متفاوت است و دلیل این تفاوت اختلاف در نوع نگرش هر یکی از دیدگاه ها می باشد.

به هر حال، به نظر می رسد مبنای اصلی کنوانسیون در دفاع از حقوق زنان بر پایه نادیده گرفتن تفاوت های طبیعی زن و مرد نهاده شده است که توجه به این تفاوت ها ما را در قضاوت هرچه بهتر در خصوص موضع کنوانسیون یاری خواهد نمود. در ذیل در مقام مطرح نمودن تعارضات در میان فقه اسلام و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان می باشیم.

۱۰- دیدگاه منع تبعیض و برقراری تساوی در کنوانسیون رفع تبعیض

در دیدگاه کنوانسیون اگر گفته شود زن برای فلان جایگاه در زندگی مناسب تر است، جایگاه انسانی او نادیده گرفته شده است و به عکس، اگر اساساً جایگاه و کار ویژه خاصی برای زن در نظر گرفته نشود و بر ایفای نقش های مشابه مرد اصرار شود، زن به جایگاه انسانی شرف یاب شده است. حتی نقش مادری را نباید برای زن نقشی انحصاری و غیر قابل اجتناب تلقی کرد. برای زن کسر شأن و منزلت است که از او انتظار ایفای هر چه بهتر این نقش را داشته باشیم. اساساً حرکت در جهت تقویت این نقش، یعنی پافشاری بر نقش های کلیشه ای به زنان، که نه تنها در چارچوب آرمان های کنوانسیون نمی گنجد، بلکه مزاحم اهداف آن به شمار می آید. در ذیل مبانی مورد نظر کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان که بر تساوی در همه ی شئون پافشاری دارد بررسی می گردد.

الف: اصالت انسان

از مبانی کنوانسیون اصالت انسان است، بر اساس این دیدگاه، انسان، مدار و محور همه اشیا و آفریننده ارزش ها و شاخص شناسایی نیکی و بدی است. در این دیدگاه، انسان به جای خدا می نشیند و می تواند بدون کمک گرفتن از دین و ارتباط با ماورای طبیعت، مشکلات زندگی خود را حل کند. بنابراین، انسان با داشتن دو اهرم «عقل» و «دانش»، دیگر نیازی به دین ندارد. پیامد این انسان محوری، زمینی کردن دین و بی اعتقادی به آن است. در این میان، خانواده و کارکردهای آن نیز از سایه این نگرش بی نصیب نمانده است؛ زیرا به دلیل آنکه در نگاه انسان گرایانه فمینیست ها، محور در خانه و خانواده، انسان و خواسته های نفسانی اوست، از این رو خانواده باید به گونه ای بازسازی و تعریف گردد که که «لذت» در آن نقش محوری داشته باشد. بدین روی، هرچه بخواهد لذت دنیوی انسان را محدود کند و یا تهدید نماید محکوم به زوال و نابودی است، هرچند این عامل تحدید و یا تهدیدکننده نظام خانواده و کارکردهای آن باشد.

بنابراین، باید «لذت جویی جنسی» اصل باشد، و محدود کردن آن به چارچوب خانواده، بر خلاف این اصل خواهد بود و موجب محدود کردن انسان ها از حق طبیعی خویش قلمداد می شود.

ب: فردگرایی

فرد گرایی نیز از دیگر مبانی کنوانسیون است براساس این مبنا، در این شیوه تفکر، فرد از هر لحاظ مقدّم بر جامعه قرار می گیرد. این نوع نگاه فرد را واقعی ترمی دانند. در نظریه های نیمه تاریخی «قرارداد اجتماعی» که توسط هابز و لاک بسط یافته، فرد به لحاظ زمانی پیش از جامعه وجود داشته است، پس حقوق و خواسته های او به لحاظ اخلاقی مقدّم بر خواسته های جامعه قرار می گیرند و فردگرایی هستی شناختی مبنای فلسفی لازم برای فردگرایی اخلاقی و سیاسی را به وجود می آورد. (Arblaster, 1986, 17) بنابراین، فردگرایی صرفاً یک ایده سیاسی یا حقوقی نبوده، بلکه ریشه در جهان بینی و هستی شناسی غرب جدید داشته است. اصالت فرد شامل اصالت حقوق، خواسته ها، غرایز و عقاید فرد است و از آن درجه از اهمیت برخوردار است که هیچ قانونی قدرت سلب مشروعیت و یا ایجاد محدودیت آن را ندارد. بها دادن به هر آنچه فرد می خواهد، آغاز تفرّد بی پایانی است که به تفرعن بی پایان تری می انجامد، تا آنجا که حتی نهاد محبوب و مقدّسی همچون خانواده، که در طول تاریخ مورد احترام فرهنگ های گوناگون بشری بوده است، نمی تواند و یا نباید مانع و یا محدودکننده خواسته های شخصی افراد باشد. از این رو، اگر تأمین خواسته فرد منجر به تخریب خانواده شود، باز هم این انتخاب و هنجارسازی از سوی جامعه و قانون ترجیح دارد.

لذا یکی دیگر از اصولی که به صورت های گوناگون در اندیشه کنوانسیون رفع تبعیض وجود دارد، بی اعتنایی به نهاد خانواده و نادیده گرفتن آن است. در این رویکرد، خانواده نه تنها محور نیست، بلکه ساختاری ظالمانه است که باید دگرگون شود. دگرگونی در ساختار خانواده و سوق دادن زنان به مشاغل عمومی و تضعیف نقش ویژه مادران در نهاد خانواده، از اصول برنامه های کنوانسیون است.

ج: دین زدایی

در کنوانسیون کمترین اشاره ای به مذهب و معنویت و یا تأثیر مثبت آنها در رویکردهای حقوقی وجود ندارد و این مسأله هم امر غیرقابل توقعی نبوده است. چرا که تنظیم کنوانسیون ها با عنایت به فردگرایی و با این باور بوده است که مذهب یک عامل محدود کننده و مانع ترقی انسان و به خصوص زنان است. قابل ذکر است که مذهب به عنوان عرضه کننده حقوقی متفاوت

برای زنان و مردان از نظر کنواسیون مردود و مطرود است. پس موادی از کنوانسیون مثل مادهٔ اول که متقاضی نفی هرگونه تمایزی است که آزادی‌های زن را به عنوان یک بشر و فرد انسانی محدود می‌کند، به صراحت متعرض مذهب هم می‌شود.

د: فمینیست

یکی از چالش‌های بنیادین کنوانسیون آن است که مسأله‌ی مردانگی و زنانگی را اساس و جوهر انسانیت قرار داده و با ترجیح ویژگی‌های مردانگی، خواستار برابری جنسیتی و همانندی زنان با مردان شده است. پیامد چنین اندیشه‌ای، به سخره گرفتن خصوصیاتِ چون مالیمت، ظرافت و مهربانی است و مساوی نمودن ضعیف بودن با مؤنث بودن است. (مهدوی زادگان، ۱۳۸۳، ۵۳) این مسأله از جمله پیش فرض‌های ناصواب در انگاره‌های فمینیستی است که با پست انگاشتن ذات نقش‌های حیاتی همچون زایش، تربیت فرزند، تدبیر منزل و تنظیم خانواده و نگرش مردواره به زن، شأن زن را از جایگاه رفیع انسانی او تنزل می‌دهد. این نگاه که به برتری نقش‌های مردانه می‌انجامد، ظلم بزرگی است که کنوانسیون به مدد تعالیم فمینیستی در حق زنان روا داشته و آثار آن در جوامع پیرو این اندیشه موجود است. (رشاد، ۱۳۷۹، ۳۷)

با تحلیل مبانی فمینیسم و بررسی کنوانسیون به دست می‌آید که کنوانسیون با نگاهی فمینیستی تبیین شده و جهان بینی خود را جهان بینی فمینیستی قرار داده است. علاوه بر این، با بررسی تاریخ مغرب زمین فمینیسم و به تبع آن کنوانسیون، پاسخی در مقابل رفتار جامعه‌ی غربی در قبال زنان است. این موارد نیز نمی‌تواند داروی اصلی برای درمان این درد کهنه باشد. همچنان که پیامدهای آموزه‌های این گرایش نوین، مانند آمار فروپاشی خانواده، ترلز و نسبیت اخلاقیات خصوصاً اخلاق جنسی، به روشنی قابل دریافت بوده و ناکارآمدی این نوع اندیشه‌ها را نشان می‌دهد. اگر این نوع قوانین می‌توانست سلامت روح و جسم بشر به ویژه زن را تأمین نماید، آمار فساد و فحشاء در کشورهای پیوسته به این کنوانسیون و پیرو افکار و عقاید فمینیستی فزونی نمی‌یافت. لذا با تحلیل مبانی فمینیسم و بررسی کنوانسیون مشهود است که کنوانسیون با نگاهی فمینیستی تبیین شده و جهان بینی خود را جهان بینی فمینیستی قرار داده است.

۱۱- بررسی چالش‌های حقوق زنان در فقه با رویکردی به برطرف کردن اختلافات میان فقه و کنوانسیون مربوطه

در فقه سنتی ۶۰ تفاوت بین زن و مرد به نفع مرد احصا شده که از آن جمله می‌توان به مسائلی در احکام حجاب، عبادات، خانواده و قوامیت مرد در آن، مرجعیت دینی و مقام افتا، ازدواج با غیر مسلمان و چند همسری اشاره نمود.

مسئلاً توجه به این آرا یک نگاه معرفتی القا می کند و آن این که زن در ادراک و قدرت تصمیم گیری با مرد برابر نیست و این دیدگاه، ناخودآگاه القا کننده تبعیض جنسیتی است. در دوره معاصر برای حل این مسائل سه گونه راه حل ارائه شده است که نخستین آن عبارت است از پذیرش تفاوتها و پرداختن به تبیین های معقول گرایانه که رویکرد آیت الله شهید مرتضی مطهری و آیت الله جوادی آملی است و از دهه ۳۰ توسط مرحوم آیت الله علامه طباطبایی آغاز شد.

راه حل دوم راه حل روشنفکران دینی است که سعی می کنند با راه حل های کلامی و برون متنی و به جای پرداختن مورد به مورد، یکجا و یک کاسه تفاوت های زن و مرد را حل کنند. این افراد گاه آیات مکی قرآن را در برابر آیات مدنی اصالت می دهند و گاه این تحلیل را ارائه می دهند که قوانین شرعی صدر اسلام عادلانه تر، عاقلانه تر و کامل تر از قوانین زمان خود بود پس قوانین فعلی هم باید این ویژگی را داشته باشد.

رویکرد سوم رویکرد نواندیشان دینی است که می کوشند با مکانیزم های درون متنی و اجتهاد رایج، مسائل را مورد به مورد و جزء به جزء حل کنند به طور مثال در این رویکرد، منابع فقهی با توجه به آگاهی هایی که از زنان یافت شده بازنگری می شود.

با این وصف، امروزه تفاوت های میان زنان و مردان در دنیای اسلام نیز، منتقدین خود را دارد که سعی بر منعطف کردن قوانین دارند، اما این بدان معنا نیست که کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان فاقد کاستی هاست.

۱۲- چالش های مربوط به بحث

در فقه اسلام، اصولی نظیر عدالت، مصلحت و فطرت سر لوحه ی تدوین قوانین خانواده هستند، لیکن ارمان مهم رؤیاریوی ایرانیان با غرب، چالش بین سنت و تجدد است که حوزه مسائل زنان نیز در این مهم قرار دارد.

کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان مستنبط از جوامع غربی است که در آن جای خالی مذهب و توجه بر عدالت خالی است. کنوانسیون مربوطه اصل را بر برابری و تساوی قرار داده است، اما فقه اسلام اصل را بر مبنای عدالت قرار داده است، اصل بر مبنای عدالت یعنی توجه به جنسیت و توانایی های فردی. اما مفهوم برابری مدنظر در کنوانسیون خلاف این امر است. تفکرات کنوانسیونی و تحقق برابری بر مبنای آن سبب بروز مشکلات زیادی می شود که اکنون در جوامع غربی وجود دارد، یکی از این مشکلات بی بندوباری است. بی بند و باری در روابط زن و مرد، مشکلی به وجود آورده است که در بعضی موارد، حتی خود مادر نمیداند که پدر واقعی

بچه اش چه کسی است و پدران بسیاری در آن جوامع آکنده از دودلی هستند. و مسئله مهم دیگری که گریبانگیر جامعه آنهاست مساله داشتن خواهر و برادرها و خاله و عمه و دایی و عمو و دیگر محارم ناشناخته در جامعه است.

آمار زندگی مشترک بدون ازدواج (ازدواج سفید) در جوامع غربی امری عادی است، نه فقط بیشتر مردم زندگی مشترکشان را بدون ازدواج شروع می کنند، بلکه برای مدت های طولانی تری به همین سبک زندگی می کنند و افرادی که در سن های بالاتر ازدواج می کنند افزایش پیدا کرده است و یا حتی اصلاً ازدواج نمی کنند و به همین دلیل، آنها هرگز زندگی خانوادگی را درک نخواهند کرد. در هلند از هر پنج بچه ای که به دنیا می آیند یک نفر از آنها در خانواده های غیررسمی به دنیا می آید.

از دیگر مصائب این دیدگاه، تک والدی شدن فرزندان است. در آمریکا، ۳۹،۷٪ از کودکان متولد شده از مادران ازدواج نکرده هستند. نتایج تحقیقات نشان می دهد که فرزندان خانواده های تک والد و دو والد در رشد روانی، رفتارهای اجتماعی و هویت جنسی متفاوت هستند. البته متغیرهایی نظیر سطح درآمد و طبقه اقتصادی- اجتماعی در نتایج مؤثر است. به طور نمونه در شرایط برابری این متغیرها، بین رشد ذهنی، موفقیت علمی و رفتاری و هویت جنسی کودکان خانواده تک والدی و خانواده دو والدی تفاوت کمتری مشاهده می شود (Casion&et al,1982).

با این وجود پذیرش بی قید و شرط کنوانسیون و الحاق به آن بدون توجه به بی درایتی های درج شده در برخی از مواد آن که خواستار تساوی حقوق زن و مرد بدون لحاظ فطرتشان است سبب بروز مصائب و مشکلاتی می شود که امروزه کمابیش به دلیل نفوذ فرهنگهای غربی در جامعه پیش آمده است.

نتیجه گیری

اخلاقی بودن آموزه های اسلامی، از رموز اساسی ماندگاری دین اسلام است. در این عرصه، خانواده یکی از مهم ترین کانون های رشد و تکامل بشر به شمار می رود و در این راستا، اسلام نیز با توجه خاص به این کانون، کیفیت شکل گیری آن را بیان نموده و برای شکل گیری آن، وجود یک مرد و زن را به صورت مشروع، در کنار یکدیگر و به عنوان یک زوج، ضروری دانسته است. باینکه در کنوانسیون مطروحه به مشروعیت روابط زن و مرد پرداخته نشده و از آزادی جنسی دفاع شده است.

در منابع دینی برای هریک از اعضای خانواده (زن، شوهر، فرزند، پدر و مادر)، حقوقی را وضع، و در مقابل این حقوق، وظایفی نیز برای طرف مقابل معین کرده است. بر اساس منابع دینی، رعایت حق و انجام وظیفه در کنار هم است که تأمین کننده کارآمدی خانواده می باشد. حق یکسان در انتخاب آزادانه همسر و صورت گرفتن ازدواج تنها با رضایت دو طرف ازدواج بند دوم ماده ۱۶ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان مورد توجه است، این در حالیست که در نگاه فقه اسلامی، ارکان اصلی ازدواج، طرفین هستند و رضایت آنها شرط صحت است، البته در امر ازدواج باید به سمت تسهیل امر ازدواج از روی رضایت طرفین و دخالت آگاهی دهنده و معقول والدین باشد، از طرفی، چنین چالشی در ازدواجهایی که دختر باکره نباشد وجود ندارد.

حقوق و مسئولیت های یکسان در طول دوران زناشویی و در وقوع طلاق در بند سوم ماده ۱۶ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان آمده است. اما در فقه اسلام براساس توانایی های میان زن و مرد، تقسیم وظیفه وجود دارد و زن و شوهر به واسطه وقوع نکاح مکلف به حسن معاشرت، وفاداری و رعایت سکونت و هم زیستی و .. هستند.

معهدا کنوانسیون رفع تبعیض بر خلاف فقه اسلام که حقوق و تکالیف خانواده را براساس اصل عدالت، مصلحت و فطرت، در همه ی اشکال و حقوق و تکلیف بر برابری و تساوی حقوق زنان و مردان استمرار دارد. از مقایسه نظام خانواده در فرهنگ اسلام و کنوانسیون رفع تبعیض دریافتیم، بر خلاف ادعای جوامع غربی در زمینه حقوق خانواده، این حقوق در کشورهای رو به انحلال و نابودی می رود و عزت، شرف، حیا و عفت، همه فدای آزادی تقریباً بی حد و حصر و بی بند و باری های روزافزون شده اند.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

اسکندری، پریا، منتظمی، رویا، زاهدی، نسا، ۱۳۹۹، گفت‌مان‌های حقوق زنان در ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، فصلنامه علمی **رهیافت انقلاب اسلامی**، دوره ۱۴، شماره ۵۲ - شماره پیاپی ۵۲.

بستان، علی، ۱۳۷۵، چهار تلقی از فمینیسم، به نقل از آلیسون جگر، **مجله زنان**، ش ۲۸.

بستان، حسین، ۱۳۸۵، **نابرابری جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم**، قم: موسسه چاپ زیتون.

بشیریه، حسن، ۱۳۷۶، **تاریخ اندیشه سیاسی در قرن بیستم ج ۲**، تهران: نشر نی.

پورمنوچهری، فارس‌بان، **فطرت عقلانی و مرجعیت حقوق زنان**؛ با نگاهی به آموزه‌های امام خمینی (ره)، ۲.

جاوید، محمدجواد، اشرفی، عباس، شاه‌مهرادی، عصمت، ۱۳۹۳، تب‌عیض مثبت به نفع زنان با تأکید بر حقوق شهروندی، **درم‌طالعات راهبردی زنان**، دوره ۱۷، ۶۶.

جاوید، م.ج، شفیع‌زاده خولنجانی، م، پاییز ۱۳۹۵، فطرت یا طبیعت بشر، مناطی برای سدنسبیت در حقوق بشر، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، سال هجدهم، شماره ۲.

جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۳) **تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی**، ج ۱. جهان، جواد، (۱۳۹۴)، جایگاه خانواده در اسلام با استناد به قرآن و احادیث، در **کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی**.

حسنی، م، ۱۳۸۳، تفاوت‌های جنسیتی از دیدگاه اسلام و فمینیسم، **مطالعات راهبردی زنان**، شماره ۲۳.

حکمت‌نیا، م، ۱۳۹۰، **فلسفه نظام حقوق زن**، تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی. چاپ اول.

رالز، جان، «عدالت به مثابه انصاف»، ترجمه: مصطفی ملکیان، **نقد و نظر**، شماره ۱۱-۱۰.

ربانی، ا، ۱۳۸۴، بررسی قاعده اشتراک تکلیف و موارد آن در فقه امامیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.

رشاد، علی اکبر، آسیب‌شناسی فمینیسم، ۱۳۷۹، **کتاب نقد**، شماره ۵ هفدهم.

رضایی، بتول، (۱۳۹۲)، حقوق و تکالیف غیر مالی زوجین در نظام حقوقی ایران، افغانستان و کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.

رودگر، محمدجواد، (۱۳۸۸) عدالت جنسیتی از دیدگاه علامه طباطبائی و شهید مطهری، **مطالعات راهبردی زنان**، دوره ۱۲، ۴۶.

سادات سالکی، معصومه، (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی حقوق زن در اسلام و کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، در دومین **همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران**

سلیمی، مهناز، آیتی، سید محمد رضا؛ مهدوی، سید هادی، (۱۳۹۷)، تحلیل تفاوت‌های حقوق زنان در فقه امامیه و ماده

۱۶ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (با تمرکز بر حقوق یکسان زوجین در دوران ازدواج و هنگام انحلال آن)، دوره ۱۱، ۲۱. شریعت‌مداری، ج، ۱۳۷۷، **شرح و تفسیر لغات بر اساس تفسیر نمونه**، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.

صفایی، حسین، (۱۳۸۸)، **حقوق مدنی** (اشخاص و مجبورین)، نشر سمت.

طاهری، محسن، (۱۳۹۵)، نقد و بررسی جایگاه حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران با نگاهی به منشور حقوق شهروندی، **همایش ملی تبیین حقوق شهروندی**، دوره ۲.

عباسی کشکولی، عباس، (۱۳۹۸)، بررسی تطبیقی مقایسه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان با اندیشه‌های اسلامی، **هشتمین کنگره بین‌المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی**. علی بابایی، احمد، (۱۳۸۶)، **برگزیده تفسیر نمونه**؛ ج ۳، نشر: تهران: دارالکتب اسلامی.

عیسی خانی، زهره، (۱۳۸۳)، نابرابری در ترازوی برابری جنسیتی، شماره ۳۱ **کتاب نقد**.

فارسیان، م.ر، پورمنوچهری، ع، ۱۳۹۷، فطرت عقلانی و مرجعیت حقوق زنان؛ با نگاهی به آموزه‌های امام خمینی، **چهارمین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی**.

کاظم نژاد، عاطفه، گلی، مجید، (۱۳۹۵) نابرابری‌های جنسیتی از دیدگاه شهید مطهری و فمینیسم، در **همایش ملی نقش زنان در توسعه پایدار**.

کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۸)، **حقوق مدنی**: خانواده، تهران، ج ۱، ۲.

کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵)، **حقوق مدنی خانواده**، جلد دوم، چاپ مفتح، انتشارات شرکت سهامی انتشار، تهران.

لوید، ژنویو (۱۳۸۱)، **عقل مذکر: مردانگی و زنانگی در فلسفه غرب**، (ترجمه محبوبه مهاجر)، تهران: نشرنی.

مروتی، حمید، منصوری، سعید، شمس‌احمد، ۱۳۹۹، مطالعه تطبیقی گفت‌مان‌های نظام حقوقی زن در ج.ا.ایران و سوئد، فصلنامه علمی **رهیافت انقلاب اسلامی**، ره‌یافت انقلاب اسلامی دوره ۱۴، شماره ۵۲ - شماره پیاپی ۵۲ پاییز

مطهری، ۱۳۷۸، **نظام حقوق زن در اسلام**، تهران: انتشارات صدرا، چاپ بیست و ششم.

مطهری، م، ۱۳۷۶، **اسلام و مقتضیات زمان**، تهران: نشر صدرا. چاپ دوازدهم.

موسوی غروی، محمد جواد، (۱۳۷۳)، **مبانی حقوق**، اصفهان، جهاد دانشگاهی.

مهدوی زادگان، د، داعی‌نژاد، م.ع، طاهری، م، ۱۳۸۳، **حقوق زنان**، تهران، شورای فرهنگی و اجتماعی زنان.

مهرپور، حسین، (۱۳۷۹) **حقوق زن**، انتشارات اطلاعات کتابخانه ملی ایران. تهران.

- مهرپور، حسین، (۱۳۷۹)، بررسی فقهی - حقوقی وضعیت متفاوت زن و مرد در فسخ نکاح، **نامه مفید**، شماره ۲۰.
- وفادار، علی، (۱۳۸۰)، **حقوق خانواده** (حقوق مدنی ۵)، انتشارات وفادار، چاپ اول.
- ولوی، سعید، آهنگران، محمد رسول، آقایی بجستانی، مریم، ۱۳۹۹، حقوق شهروندی اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر قاعده احسان، فصلنامه علمی **رهیافت انقلاب اسلامی**، دوره ۱۴، شماره ۵۱ - شماره پیاپی ۵۱ تابستان
- Arblaster, Anthony, the rise and fall of Western liberalism, Publisher : Blackwell Pub (April 1, 1986)
- 39.7% of all births are to unmarried women. - National Center for Health Statistics. 2007.
- Garner ,A.bryan ,Blacks law Dictionary ,west publishing co.1999
- Lydman , Sven Erik, History of Political Ideas from Plato to Habermas,1972
- Persian Publisher: Pocket Books Company, United States,1945
- Russell ,Bertrand ,A History of western philosophy , George Allen Publications
- The number of cohabiting unmarried partners increased tenfold between 1960 and 2000